

کارکردهای میانجی‌گری در حل و فصل اختلافات مالکیت فکری

مهدی زاهدی*

دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی،

تهران، ایران

حکیمه محمدی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

چکیده

توسعه معاملات بین‌المللی و بهره‌برداری تجاری از دارایی‌های فکری، بر ضرورت ایجاد شیوه‌های حل اختلافات در حوزه مالکیت فکری متناسب با مقتضیات بین‌المللی افزوده است. ویژگی‌های خاص حقوق مالکیت فکری و دعاوی آن مانند سرزمینی بودن، تخصصی بودن، نقض گسترده در حوزه‌های قضایی مختلف، اهمیت محرمانگی، طولانی بودن فرایند و هزینه‌های هنگفت دادرسی، فقدان کنوانسیون بین‌المللی در زمینه اجرای احکام قضایی مالکیت فکری، از مهم‌ترین دلایلی است که کارآمدی رسیدگی قضایی به این دعاوی را تحت تأثیر قرار داده است. روش‌های غیرقضایی حل اختلاف که اغلب تشریفات و هزینه کمتر و سرعت بیشتری دارند، بسیاری از این مشکلات را کاهش می‌دهند. در میان روش‌های غیرقضایی، میانجی‌گری دارای مزایایی است که با در نظر گرفتن خصایص دارایی‌های فکری و در مقایسه با سایر روش‌ها موفقیت بیشتری در حل و فصل این اختلافات دارد. این مقاله که با روش تحلیلی توصیفی تدوین و داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی تهیه شده است، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که نهاد میانجی‌گری چه کارکردهایی برای حل اختلافات مالکیت فکری دارد و به این نتیجه می‌رسد که حل اختلافات در بخش عمده‌ای از دعاوی مالکیت فکری از طریق میانجی‌گری به دلیل خصایصی چون سرعت و سهولت، محرمانگی، انعطاف‌پذیری و امکان استفاده از راه‌حل‌های خلاقانه به‌عنوان توافق نهایی، کارآمدی مطلوبی دارد.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت فکری، روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات، سازش، میانجی‌گری، میانجی‌گر.

۱. مقدمه

امروزه حقوق مالکیت فکری دارای ارزشمند اصلی در اقتصاد جهانی محسوب می‌شود. به تناسب افزایش معاملات داخلی و بین‌المللی این اموال، تعداد اختلافات^۱ آن نیز افزایش داشته است. طرفین دعوا به دنبال سازوکارهای حل اختلاف کارآمد، انعطاف‌پذیر و کم‌هزینه‌اند که اختلافی در روابط تجاری‌شان ایجاد نکنند. این در حالی است که اغلب اختلافات مالکیت فکری به دلیل ماهیت سرزمینی، تنوع حقوق و پیچیدگی‌های فنی که ناشی از تلفیق رشته‌های مختلف است، به دعاوی طولانی و گران‌قیمتی منجر می‌شود که برای دادگاه‌ها و طرفین دعوا مطلوب نیست. بنابراین دارندگان حقوق مالکیت فکری برای حل دعاوی به روش‌هایی که بیشتر تحت تسلط و مدیریت طرفین اختلاف باشد، روی آورده‌اند.

در میان این روش‌ها، میانجی‌گری به‌عنوان یکی از منعطف‌ترین روش‌های موجود مزایای فراوانی برای حل و فصل اختلافات حقوق مالکیت فکری دارد. اگرچه آمارها نشان می‌دهد استفاده از میانجی‌گری در بالاترین سطح روش‌های غیرقضایی حل اختلاف نیست، اما پس از داوری پرکاربردترین روش محسوب می‌شود.^۲ باید به این نکته توجه کرد که تعیین تعداد دقیق دعاوی ارجاع‌شده به میانجی‌گری امری دشوار است، چراکه هم فرایند میانجی‌گری و هم نتایج آن، محرمانه است و این، دسترسی به اطلاعات را بسیار محدود می‌کند. البته مواردی که توسط سازمان‌ها مانند وایپو انجام می‌گیرد، تا حدودی آمار کلی استفاده از میانجی‌گری را نشان می‌دهد.^۳ با این حال دلایل کم‌اقبالی به استفاده از میانجی‌گری را می‌توان اغلب در ناآشنایی،

۱. بین دعوا و اختلاف تفاوت وجود دارد. با این توضیح که اختلاف در معنای خاص، ناظر بر منازعه‌ای است که حل و فصل آن، به مرجعی مثل دادگستری یا داوری ارجاع نشده است و دعوا، به اختلافی گفته می‌شود که حل و فصل آن، به مرجع موردنظر ارجاع شده است و اختلاف در معنای عام کلمه، خود بر دو قسم است: نخست، اختلاف در معنای خاص یعنی اختلاف قبل از اقامه در دادگستری یا داوری و دوم، دعوا یعنی اختلاف بعد از ارجاع موضوع به دادگاه یا داوری. اثر این تفاوت در امکان ارجاع دعوا یا اختلاف به میانجی‌گری بروز می‌یابد. در این مقاله منظور از اختلافات مالکیت فکری، معنای عام کلمه است، یعنی هم اختلاف در معنای خاص کلمه (اختلاف قبل از ارجاع به دادگاه یا داوری) و هم دعوا (اختلاف بعد از ارجاع به دادگاه یا داوری). برای مطالعه بیشتر رک: بهادری جهرمی و همکاران، ۱۴۰۰.

۲. طبق آخرین آمار ارائه‌شده در سایت وایپو بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱، در مجموع ۹۰۰ درخواست به مرکز داوری و میانجی‌گری وایپو ارائه شده است که تعداد این درخواست‌ها در سال‌های اخیر به طرز چشمگیری افزایش داشته است. به‌طوری‌که در سال ۲۰۱۲، ۳۱ مورد و در سال ۲۰۲۱، ۲۶۳ مورد به مرکز ارجاع شده است و پس از داوری میانجی‌گری دومین روش انتخاب متقاضیان است. برای مشاهده آمار وایپو به لینک زیر مراجعه کنید.

<https://www.wipo.int/amc/en/center/caseload.html>

۳. به‌طور مثال وایپو در سایت خود به ارائه این آمار به‌طور کلی پرداخته است که پیشتر به آن اشاره شد. برای مشاهده آمار وایپو به لینک زیر مراجعه کنید.

<https://www.wipo.int/amc/en/center/caseload.html>
<https://www.wipo.int/amc/en/mediation/case-example.html>

بی‌اعتمادی طرفین به فرایند و لازم‌الاجرا نبودن نتیجه میانجی‌گری جست‌وجو کرد. آگاهی‌بخشی، تدوین قوانین مناسب و تصویب کنوانسیون سنگاپور^۱ در خصوص اجرای تصمیمات میانجی‌گری به رفع این موانع کمک مؤثری کرده است. گسترش و توصیه به اتخاذ این روش در راه‌اندازی مراکز مختلف میانجی‌گری مانند «مرکز میانجی‌گری سنگاپور»^۲ یا «دفتر هماهنگی بازار داخلی علائم تجاری و طرح‌ها»^۳ در اتحادیه اروپا و همچنین در تدوین مقررات داخلی و بین‌المللی مانند دستورالعمل میانجی‌گری اتحادیه اروپا^۴، مقررات میانجی‌گری اتاق بازرگانی بین‌المللی^۵، مقررات میانجی‌گری کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد^۶، توافقنامه حل اختلافات کپی‌رایت و دانش سنتی شورای بین‌المللی موزه‌ها^۷ با سازمان جهانی مالکیت فکری و قوانین ملی کشورها، قابل‌مشاهده است. مرکز داوری و میانجی‌گری سازمان جهانی مالکیت فکری فعالیت خود را بر سوق دادن حل اختلافات از طریق میانجی‌گری متمرکز کرده است. وایبو همچنین منابع زیادی را برای ایجاد چارچوب حقوقی به‌منظور ساماندهی اختلافات در برخی حوزه‌ها مانند میراث فرهنگی و هنر، فیلم و رسانه، سازمان‌های مدیریت جمعی، استفاده غیرمجاز از نام‌های دامنه اینترنتی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و انتقال فناوری اختصاص داده است. هرچند روش میانجی‌گری در حل اختلافات مالکیت فکری می‌تواند فواید زیادی داشته باشد، اما به‌علت عدم معرفی کافی پرسش‌های زیادی هنوز بدون پاسخ مانده است. هدف این مقاله مطالعه کارکردهای میانجی‌گری در حل و فصل اختلافات مالکیت فکری است. این کارکردها از دو منظر قابل بررسی است؛ اول آنکه دعوی مالکیت فکری دارای اختصاصاتی هستند که روش میانجی‌گری برای حل اختلافات این حوزه تناسب بیشتری نسبت به سایر روش‌ها دارد و دوم ویژگی‌های روش میانجی‌گری است که موجب اقبال دارندگان حقوق مالکیت فکری به استفاده از آن می‌شود. در این مقاله که با روش تحلیلی توصیفی تدوین و داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بعضاً تحقیق میدانی^۸ تهیه شده است، پس از ارائه تعریف مختصری از میانجی‌گری و مفاهیم مشابه

1. United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation (Singapore Mediation Convention)2018.

2. Singapore Mediation Centre (SMC)

3. the Office for Harmonization in the Internal Market (Trademarks and Designs) OHIM

5. EU Directive 2008/52/EC of the European Parliament and of the Council on Certain Aspects of Mediation in Civil and Commercial Matters (Mediation Directive)

5. ICC Mediation Rules2014

6. UNCITRAL Mediation Rules2021

7. International Council of Museums (ICOM)

۸. بررسی میدانی در این مقاله از طریق مصاحبه میدانی با انتخاب بین وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری که در حوزه مالکیت فکری فعال‌اند، انجام گرفته است.

آن، در بخش اول اختصاصات دعاوی مالکیت فکری و در قسمت دوم ویژگی‌های میانجی‌گری بررسی می‌شود.

۲. مفهوم میانجی‌گری

میانجی‌گری^۱ در لغت به معنای وساطت است. در تعریف میانجی‌گری گفته شده «میانجی‌گری روشی است که در آن یک ثالث بی‌طرف به طرفین اختلاف در خصوص حل و فصل خوشایند دو جانبه کمک می‌کند. هدف میانجی‌گران تسهیل مبادله اطلاعات، ایجاد تفاهم میان طرفین و ارائه راه‌حل‌های مؤثر و سازنده است» (درویشی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون سنگاپور در تعریف میانجی‌گری آورده است: «میانجی‌گری به فرایندی اطلاق می‌شود که بدون توجه به عبارات به‌کاررفته یا مبنایی که فرایند براساس آن انجام می‌شود، طی آن طرفین تلاش می‌کنند تا با کمک شخص یا اشخاص ثالث به حل و فصل دوستانه اختلاف خود دست یابند». در واقع میانجی‌گری یک پروسه مذاکره غیرالزام‌آور است که در آن یک فرد بی‌طرف بدون آنکه وارد ماهیت اختلاف شود، به حل اختلاف طرفین کمک می‌کند. میانجی‌گر ماهر بدون تحمیل نظر خود صرفاً تلاش می‌کند اصحاب دعوا را به سوی مصالحه سوق دهد و به آنها کمک می‌کند تا منافع و خواسته‌های خود را برای طرف مقابل مشخص و به وی منتقل کنند (نیکبخت، ۱۳۹۶: ۶۵).

۳. مفاهیم مشابه

۳.۱. سازش^۲

در میان روش‌های جایگزین، واژه سازش یا اصلاح با میانجی‌گری ارتباط عمیقی دارند، چنانکه در بسیاری موارد به‌جای یکدیگر به‌کار رفته‌اند. سازش به معنای سازگاری، حسن سلوک، توافق و صلح است. در صلح و سازش یک شخص ثالث بی‌طرف به‌عنوان سازشگر یا مصلح به طرفین برای حل اختلاف کمک می‌کند. بعضی نویسندگان حقوقی معتقدند سازش، تراضی طرفین دعوا بر فیصله نزع معین در دادگاه و با دخالت دادرس دادگاه است و سازش‌نامه‌ای که با این ترتیب تنظیم می‌شود، ماهیت سند رسمی صلح را دارد و مانند هر عقدی فقط بین طرفین و قائم‌مقام آنان لازم‌الاتباع است نه نسبت به ثالث (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۳۴۸). برخی معتقدند به‌دلیل مشابهت در روش و اصول، هر دو مفهوم سازش و میانجی‌گری، یکی هستند (شیروی، ۱۳۸۵: ۴). آنسیترال نیز در بند ۳ ماده ۱ قانون خود هر دو اصطلاح را یکسان انگاشته است. در کشورهای مختلف نیز این دوگانگی وجود دارد؛ برای مثال در ژاپن،

1. Mediation
2. Conciliation

«مصالحه» به‌طور کلی در رابطه با میانجی‌گری مرتبط با دادگاه استفاده می‌شود، درحالی‌که در ایرلند، «مصالحه» و «میانجی‌گری» به‌جای هم به‌کار می‌روند (Hopt, K. J. *et al.*, 2013: 1038). با وجود این، سازش اغلب برای اشاره به فرایندی استفاده می‌شود که در آن یک شخص ثالث نقش رهبری قوی‌تری ایفا می‌کند و تأثیر بیشتری بر نتیجه نهایی دارد. در این مقاله نیز این دو اصطلاح یکی در نظر گرفته شده است.

۳.۲. داوری

در میان روش‌های جایگزین، داوری بیشترین قرابت را با میانجی‌گری دارد و پردرخواست‌ترین روش غیرقضایی حل اختلافات مالکیت فکری است. داوری یک رویه مبتنی بر حقوق و میانجی‌گری رویه‌ای مبتنی بر منافع طرفین است. در خصوص تمایز داوری و میانجی‌گری ذکر چند نکته ضروری است؛ در دهه‌های گذشته، علاوه بر سرعت بیشتر، هزینه کمتر، الزام‌آور بودن رأی داوری و قابلیت اجرای آن در بسیاری از کشورها که ناشی از عضویت کشورها در عهدنامه نیویورک (۱۹۸۵) است، موجب اقبال به این روش شده بود، اما داوری به‌تدریج برخی از مزیت‌های خود را از دست داد. افزایش پیچیدگی‌های داوری و اضافه شدن قوانین و مقررات رسیدگی، موجب کاهش سرعت و افزایش هزینه‌ها شد و توسعه قواعد شفافیت در داوری امتیاز مهم محرمانگی را در آن کمرنگ کرد (نیکبخت، ۱۳۹۶: ۶۵). علاوه بر این، عدم قابلیت پیش‌بینی رأی داوری و کمرنگ شدن استقلال طرفین موجب شد تا به‌تدریج طرفین اختلافات تجاری درصدد یافتن روش‌های جایگزین داوری باشند در مقابل، انعطاف‌پذیری فوق‌العاده میانجی‌گری، سرعت بیشتر و هزینه کمتر، حفظ محرمانگی با ضریب بالا، اجباری نبودن توافقنامه و همچنین حل و فصل واقعی و عملی اختلاف در میانجی‌گری به‌جای صدور رأی، موجب شده است تا میانجی‌گری جایگاه متمایزی در حل اختلاف دعاوی مالکیت فکری پیدا کند، به‌طوری‌که بیش از ۵۰ درصد درخواست‌های وارده به مرکز حل اختلاف واپو به میانجی‌گری ارائه شده است که از این میزان ۷۵ درصد به حل و فصل اختلاف منجر شده، این در حالی است که تنها ۳۳ درصد از دعاوی ارجاعی به بخش داوری حل و فصل شده است.^۱ استفاده از روش‌های ترکیبی میانجی‌گری و داوری برای بهره‌مندی از مزایای هر دو روش نیز مورد استقبال زیادی قرار دارد.

۱. برای مشاهده این آمار به سایت واپو به آدرس زیر مراجعه کنید:

۴. اختصاصات دعاوی مالکیت فکری و تطبیق آن با روش میانجی‌گری

بسیاری از اختلافات مربوط به مالکیت فکری دارای ویژگی‌های مشترکی‌اند که نشان می‌دهد میانجی‌گری می‌تواند نسبت به سایر روش‌ها برای طرفین مفیدتر باشد، با این حال به دلیل تنوع اشکال مالکیت فکری که از موضوعات در حوزه کپی‌رایت مانند آثار ادبی هنری تا اختراعات و مصادیق فنی در بخش صنعتی را شامل می‌شود و پیچیدگی‌های ناشی از تجمع علوم پیشرفته در برخی دعاوی، شیوه حل و فصل اختلافات نیز نمی‌تواند لزوماً شیوه‌ای مشخص و محصور باشد. طرفین باید با محاسبه مزایا و خطرهای روش‌های مختلف حل اختلاف و در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص دعاوی خود و ملاحظه منافع شخصی و جبران خسارات احتمالی روش مناسب خود را بیابند. از آنجا که ویژگی‌های خاص اموال فکری و خصایص روش میانجی‌گری در تعیین روش حل اختلاف دعاوی تأثیر عمده‌ای دارد، لازم است به مطالعه ویژگی‌ها و شرایط مشترک اموال فکری مؤثر در انتخاب شیوه حل و فصل اختلاف، پرداخته شود.

۴.۱. میان‌رشته‌ای و تخصصی بودن دعاوی مالکیت فکری

یکی از ویژگی‌های خاص اختلافات در حوزه‌های اموال فکری میان‌رشته‌ای بودن موضوعات حمایتی است. بنابراین در زمان رسیدگی به اختلافات نیز چه بسا شناخت موضوع اختلاف نیازمند اعمال تخصص‌های متفاوت باشد. این مسئله در خصوص دعاوی پتنت که با دانش‌های نوین و فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، نانوفناوری و... ارتباط دارد، بسیار پیچیده‌تر از قبل می‌شود. در برخی رشته‌ها مانند نانو گاهی یک اختراع به چندین رشته تخصصی دیگر مرتبط است که علاوه بر دشوار کردن تشخیص زمینه اصلی اختراع، شناسایی و درک اختراعات مربوط را برای بررسی حقوقی توسط یک قاضی تقریباً غیرممکن می‌سازد. بنابراین حل و فصل این نوع دعاوی اغلب نیازمند بررسی توسط چندین کارشناس متخصص است که دانش فنی و توانایی تشخیص بالای تفاوت‌های موجود بین دو ایده را داشته باشند (بهادری جهرمی، ۱۳۹۰: ۳۲). همچنین در دعاوی کپی‌رایت بهره‌مندی از شخص بی‌طرفی که به تفاوت‌ها و ظرافت‌های هنری آگاه است، اهمیت زیادی دارد. حتی در اختلافات علامت تجاری نیز چه بسا بررسی شباهت دو علامت که ممکن است در نگاه اول بسیار ساده به نظر برسد، نیاز به مطالعه بازار و رفتار مشتریان و تفسیر نظرسنجی‌های مختلف در خصوص واکنش‌های مصرف‌کننده به علائم تجاری و نشانه‌های منبع توسط یک متخصص دارد (Chi, 2005: 2). از این گذشته مسئله تعیین خسارات معنوی در اختلافات مالکیت فکری را نیز می‌توان به میانجی‌گری ارجاع داد و راه‌حلی فرای راه‌حل‌های موجود در قانون و خسارت‌های تعیین‌شده معمول اتخاذ کرد.

۴.۲. اهمیت محرمانگی

ضریب اهمیت محرمانگی در شرکت‌های بزرگ که پیوسته در حال سرمایه‌گذاری برای حقوق انحصاری ناشی از پتنت‌ها هستند، بسیار بالاست. به‌طور مثال در صنایع دارویی که فروش جهانی آنها بالغ بر میلیاردها دلار در سال است، رسیدگی قضایی موجب افشای دعاوی و جزئیات پرونده‌ها و جلب توجه رسانه‌ای می‌شود که امری ناخوشایند است. در میانجی‌گری حتی اگر توافق حاصل نشود، از این حیث آسیبی به طرفین وارد نمی‌شود و از طرفی نیز حقایق و مسائل مربوط به اختلاف برای طرفین آشکار می‌شود و زمینه را برای داوری یا دادرسی بعدی فراهم می‌کند. اهمیت محرمانگی در اختلافات اسرار تجاری نیز واضح است. هسته اصلی اختلافات اسرار تجاری رازی است که طرح دعوی قضایی آن را در خطر جدی قرار می‌دهد، چراکه افشای سر، صرفاً شامل قرار دادن اطلاعات محرمانه در اختیار رقیب نیست، بلکه افشا نزد دادگاه و سایر افراد مرتبط مانند کارمندان، شهود، کارشناس و... را هم در برمی‌گیرد (Agris *et al.*, 2011: 61). طبق مواد ۱۵ و ۱۷ مقررات میانجی‌گری و ایپو هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان نمی‌توانند اطلاعات حاصل از میانجی‌گری را برای اشخاص خارج از این فرایند افشا کنند یا به‌کار برند، مگر با موافقت میانجی و طرف‌های اختلاف. همچنین طبق ماده ۱۷ میانجی و طرف‌های اختلاف نباید بیانات و اظهاراتی را که در فرایند میانجی‌گری می‌گذرد، به‌عنوان مدرک یا به هر صورت دیگر به دادگاه و داوری ارائه دهد. طبق ماده ۱۰ قانون نمونه آنسیترا ل نیز بر حفظ محرمانگی در میانجی‌گری تأکید می‌کند. بنابراین در میانجی‌گری با بالاترین ضریب می‌توان کل فرایند و نتیجه را محرمانه باقی گذاشت و این امتیاز مهمی برای کسانی است که مایل به حفظ شهرت و روابط تجاری خود هستند (Corbett, 2011: 59).

۴.۳. سرزمینی بودن حقوق مالکیت فکری و نقض بین‌المللی

تلاقی اصل سرزمینی بودن با جهانی‌شدن مالکیت فکری و دیجیتالی شدن ابزارهای پخش، چالش‌های تعارض قوانین در حقوق بین‌الملل خصوصی را بیشتر کرده است. گسترش بازارهای بین‌المللی احتمال نقض‌های بین‌المللی و اختلاف بین حوزه‌های قضایی را افزایش می‌دهد. به همین دلیل است که حل اختلافات به‌صورت دوستانه اهمیت پیدا می‌کند (داراب‌پور، ۱۳۹۹: ۲۶). طرف‌های اختلافات بین‌المللی اغلب به دلایلی چون بی‌اعتمادی به دادگاه‌های ملی، ناآگاهی از قوانین خارجی، پیش‌بینی‌پذیر نبودن رأی دادگاه و دشواری اجرای رأی دادگاه در کشور خارجی تمایل دارند اختلافات خود را برای حل و فصل به میانجی‌گری ارجاع دهند تا در

یک مرجع رسیدگی واحد و طی یک مرحله به حل و فصل نهایی دست یابند (ملکنیا و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

چندین مسئله در اختلافات مربوط به مالکیت فکری برون مرزی با توجه به صلاحیت قضایی قابل طرح است؛ حقوق مالکیت فکری به قوانینی که آنها را ایجاد کرده وابسته است، بنابراین به حوزه قضایی قلمروی جغرافیایی قوانین مربوط محدود می‌شود. به دلیل سرزمینی بودن این حقوق به طور مثال چنانچه شرکتی دارای گواهی ثبت اختراع در چندین حوزه قضایی باشد و در برخی از این کشورها حقوق دارنده نقض شده باشد، ملزم به پیگیری در هر حوزه قضایی به طور جداگانه است (Bardach, 1993: 478). پرونده چند-حوزه‌ای قضایی ایمپروور علیه رمینگتون^۱ در دهه ۱۹۹۰ که به صدور احکام متعارض در دادگاه‌های کشورهای مختلف منجر شد، نمونه‌ای از این معضل است. گذشته از اموال فکری مانند علامت تجاری و اختراع که به دلیل ثبت در کشورهای متعدد مورد حمایت هستند، آثار ادبی و هنری نیز به دلیل وجود اصل لزوم حمایت بدون تشریفات در بسیاری از کشورها مورد حمایت قرار می‌گیرند. برای مثال امکان نقض حقوق مادی و معنوی اثر یک ایرانی که با وجود عدم پیوستن ایران به کنوانسیون برن، در یکی از کشورهای عضو این کنوانسیون خلق شده است وجود دارد. با در نظر گرفتن معضل رسیدگی به دعاوی نقض حق مؤلف مانند نشر غیرمجاز اثر از طریق اینترنت در کشورهای متعدد این مسئله با چالش‌های بسیاری روبه‌رو خواهد شد، درحالی‌که روش میانجی‌گری اجازه حل و فصل اختلافات بین چند حوزه قضایی را به طور کارآمدتری می‌دهد. همچنین امکان توافق طرفین بر تک‌مرحله‌ای بودن رسیدگی در میانجی‌گری در خصوص مال فکری که در کشورهای مختلف به ثبت رسیده است، می‌تواند مانع خطر ناشی از هزینه‌ها و پیچیدگی رسیدگی‌های قضایی متعدد در کشورهای مختلف و مشکلات ناشی از صدور آرای متعارض در این خصوص شود (Tan, 2018: 15). در یکی از پرونده‌های ارجاعی به مرکز میانجی‌گری وایپو، یک شرکت ساختمانی سنگاپوری، به تقاضانامه ثبت سه علامت تجاری در مرکز مالکیت فکری سنگاپور^۲ اعتراض کرد و مدعی شد اجزای کلیدی علامت وی در این سه علامت کپی شده است. علائم تجاری مورد بحث متعلق به سه نهاد تجاری در سنگاپور، مالزی و اندونزی بودند. طرفین این دعوا با یکدیگر اختلافات تجاری بین‌المللی در خصوص مالکیت‌های فکری با سابقه طولانی داشتند که سال‌ها معلق باقی مانده بود. با توافق طرفین تمام پرونده‌های اختلافی به صورت ادغام شده به مرکز میانجی‌گری وایپو در سنگاپور

1. v Remington [1990] FSR 181

2. IPOS

ارجاع شد و جلسه میانجی‌گری یک‌روزه در تالار مکسول^۱ در سنگاپور برگزار و تمامی اختلافات طی چهار ماه پس از شروع میانجی‌گری حل و فصل شد.

۴.۴. زمان‌بر بودن حل اختلافات

در بیشتر اختلافات مربوط به حقوق مالکیت فکری دادگاه‌ها مجبور به بررسی مسائل فنی و حقوقی‌اند. این مسئله در مورد اختراعات اهمیت بیشتری دارد، زیرا لازم است ادعاهای هر اختراع مورد بررسی متخصصان آن صنعت قرار گیرند. اینکه دادگاه اجازه تفسیر مجدد ادعا را دارد یا خیر، از مسائل چالش‌برانگیز است و در بسیاری از پرونده‌ها دادگاه تجدیدنظر ممکن است پرونده را بر مبنای تفسیر دیگری از ادعاها پیش برد که امری زمان‌بر است. علاوه بر این عموماً ناقض حق، طی دادخواست تقابل درخواست ابطال گواهی ثبت اختراع را دارد و دادگاه را مجبور می‌کند اعتبار گواهینامه اختراع را بررسی کند. در نتیجه طرفین با فرایندی طولانی مواجه می‌شوند. گاهی در رسیدگی قضایی به اختلافات نرم‌افزارها، مدت رسیدگی بیشتر از دوره عمر آن نرم‌افزار طول می‌کشد و این مسئله به هیچ‌وجه برای دارنده مال فکری خوشایند نیست، درحالی‌که میانجی‌گری با کاهش چشمگیر زمان این معضل را به سادگی حل می‌کند.

۴.۵. مدت‌دار بودن حمایت و تأثیر مناقشه بر ارزش اموال

مدت حمایت در بیشتر انواع اموال فکری کوتاه یا میان‌مدت است. به جز در برخی موارد مانند علامت تجاری که امکان تمدیدهای نامحدود وجود دارد، سایر انواع این اموال فقط مهلت کوتاهی برای بهره‌برداری مادی از مال فکری خود دارند، بنابراین طولانی بودن فرایند رسیدگی می‌تواند پاشنه آشیل برای دارنده باشد و ممکن است کل دوره حمایتی یا حداقل بخش عمده و مهم ابتدایی آن را که می‌تواند در بازار منافع تعیین‌کننده‌ای برای دارنده داشته باشد، در برگیرد. افزون بر آن، رشد فناوری و حرکت سریع توسعه در انواع مختلف دانش موجب می‌شود این اموال خیلی زود در بازار به مرحله نامطلوبی برسند. ضمن آنکه در اموال مادی، مالکیت و اعتبار پس از اختلاف و مناقشه تغییری نمی‌کند، درحالی‌که در اموال فکری صرف طرح دعوا می‌تواند هم بر بازار اثرگذار باشد و هم اصل اعتبار و مالکیت مورد خدشه قرار گیرد. به‌طور مثال در اختراعات، گاهی رسیدگی طولانی موجب ورود فناوری جدید و بی‌ارزش شدن حق اختراع می‌شود یا برای دارنده یک علامت تجاری که شهرت و خوشنامی مهم‌ترین دارایی وی محسوب می‌شود، درگیر شدن در دعوا حتی اگر در نهایت برنده باشد نیز موجب ورود آسیب به شهرت علامت و از رونق افتادن بازار و فراموشی مصرف‌کنندگان شود.

سرعت حل اختلاف از طریق میانجی‌گری موجب کاهش خطر به پایان رسیدن مدت حمایت یا کم‌ارزش شدن دارایی فکری می‌شود (Martin, 1997: 928).

۴.۶. امکان نقض گسترده و ورود خسارت‌های هنگفت

ماهیت برخی انواع اموال فکری به گونه‌ای است که کپی‌برداری از آن با سرعت و سهولت زیادی صورت می‌گیرد. این ویژگی همان‌طور که می‌تواند سبب شهرت و منافع زیادی برای دارنده شود، در موارد نقض حق، آثار مخربی خواهد داشت، چراکه از زمان نقض حق و طرح شکایت تا صدور رأی خسارت افزایش می‌باید. برای مثال کپی‌برداری از علامت شخص دیگری - هرچند موقت - می‌تواند درصد بزرگی از مشتریان را پراکنده سازد یا زمانی که شرکتی از استفاده از علامتی منع می‌شود، ممکن است مشتریان خود را از دست بدهد یا توسعه بازار و محصولات با نشان موردنظر تا تعیین نتیجه نهایی متوقف شود. بنابراین جلوگیری هرچه سریع‌تر از ورود خسارت‌های بیشتر یکی از ملزومات شیوه‌ای است که برای حل اختلاف در خصوص اموال فکری مطرح می‌شود. علاوه بر مدت زمان طولانی رسیدگی در دادگاه، به دلیل فقدان روش‌های ثابت برای تعیین خسارات و همچنین تجدیدنظرخواهی طرف بازنده به علت نامعلوم بودن مبنای تعیین خسارت نیز به تطویل فرایند می‌افزاید. در نهایت ممکن است حکم صادره حتی برای طرف برنده نیز که چندین سال زمان و هزینه بسیار در آن دعوا صرف کرده است، رضایت‌بخش نباشد. در نتیجه، رسیدگی فوری می‌تواند خسارت‌های ناشی از طولانی شدن فرایند را به‌طور جدی کاهش دهد.

۴.۷. هزینه‌های زیاد دعاوی مالکیت فکری

برخی شرایط پیش‌گفته مانند تخصصی بودن و ماهیت میان‌رشته‌ای سبب می‌شوند تا هزینه‌های رسیدگی به دعاوی حقوق مالکیت فکری افزایش یابد. احتمالاً بیشترین انگیزه برای مراجعه به میانجی‌گری اجتناب از هزینه‌های گزاف رسیدگی قضایی است. هزینه‌های میانجی‌گری در نقض کپی‌رایت بعضاً بین ۱۰۰.۰۰۰ تا ۲۰۰.۰۰۰ دلار از طریق دادگاه است که با اجباری شدن استفاده از کارشناس و پیچیده شدن موضوع بیشتر هم می‌شود، درحالی‌که میانگین هزینه میانجی‌گری ۵۰.۰۰۰ دلار است (Anway, 2003: 430). پرونده‌های پتنت نیز به‌طور معمول بسیار پرهزینه هستند؛ در سال ۲۰۱۵، در آمریکا، متوسط هزینه دادرسی برای دعاوی نقض حق ثبت اختراع به ارزش ۱۰ تا ۲۵ میلیون دلار ۲/۱ میلیون دلار بود و هزینه‌های کارشناسی، متوسط هزینه را به ۳/۵ میلیون دلار می‌رساند. حق‌الزحمه وکلا را نیز باید به این هزینه‌ها افزود (AIPLA, 2015: 37). متوسط هزینه میانجی‌گری در چنین مواردی، ۲۵۰,۰۰۰ دلار بوده است (vidal et al., 2019: 6) دارندگان اموال فکری به‌طور معمول در زمان سرمایه‌گذاری یا بروز

اختلاف به ارزیابی هزینه‌های حل اختلاف نیز می‌انديشند. برای مثال زمانی که یک شرکت چینی دارنده دانش فنی در زمینه دستگاه‌های ساخت عینک طبی، تصمیم به انعقاد قرارداد انتقال دانش فنی به یک شرکت ایرانی مستقر در اصفهان گرفت، پس از اطلاع از اینکه تنها یک شعبه تخصصی از دادگاه‌های عمومی تهران به دعاوی نقض اختراع رسیدگی می‌کند، اعلام کرد به دلیل تراکم احتمالی پرونده‌ها در این شعبه و طولانی شدن مدت رسیدگی، هزینه معاملات با افزایش مواجه خواهد شد و عقد قرارداد را منوط به پرداخت مبلغی از سوی طرف ایرانی بابت نقض احتمالی اختراع در ایران و هزینه‌های استخدام وکیل و ایاب و ذهاب به تهران کرد (بهادری جهرمی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۹). در ایران هزینه‌های رسیدگی به یک پرونده به‌طور معمول شامل هزینه دادرسی، حق الزحمه وکیل و هزینه‌های کارشناسی می‌شود. در پرونده‌ای نقض کپی‌رایت یا نقض حق اختراع با خواسته دو میلیارد ریال هزینه دادرسی در مرحله بدوی در حدود ۷۰ میلیون ریال و در مرحله تجدیدنظر ۹۰ میلیون ریال، حق الزحمه کارشناس یا هیأت کارشناسی حقوقی به‌طور متوسط ۲۵ میلیون ریال و کارشناسی فنی حداقل دو برابر است که با در نظر گرفتن این موضوع که معمولاً دعاوی نقض تا هیأت‌های پنج‌نفره پیش می‌رود، می‌توان این مبلغ را شایان توجه دانست. حق الزحمه وکیل را نیز باید به این مبالغ افزود که برای چنین پرونده‌ای بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیون ریال است.^۱ این در حالی است که هزینه میانجی‌گری همین دعوا در اتاق بازرگانی ایران به‌طور مثال ۴۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال است.

ماهیت بسیار رقابتی دعاوی قضایی در دعاوی مالکیت فکری که در آنها ارزش دارایی و میزان خسارت‌ها به‌طور دقیق مشخص نیست، طرفین را تشویق می‌کند تا در ادعای خود مبالغه کنند و در نتیجه هزینه‌های دعوی قضایی افزایش یابد (Lemley, 2004: 311). اگرچه در دعاوی قضایی با احتمال برنده شدن منابع مالی شایان توجهی برای برنده دعوا متصور است، در میانجی‌گری منافع دیگری وجود دارد. برای مثال در مواردی که ناقض معسر شناخته می‌شود و برنده عملاً تا سال‌ها امکان دسترسی به خسارت وارده را ندارد، می‌توان با استفاده از راه‌حل‌های خلاقانه امکان جبران خسارت برای ناقض را فراهم کرد. علاوه بر این، میانجی‌گری در هزینه‌های ناملموس طرفین مانند رنج روانی که به‌سبب روند سخت دادرسی متحمل خواهند شد نیز مفید واقع خواهد شد. از دیگر هزینه‌های غیرمستقیمی که در رسیدگی‌های قضایی وجود دارد، هزینه‌های ناشی از آموزش است؛ قضات و بعضاً کارشناسان که در حوزه‌های تخصصی آموزش ندیده‌اند، ممکن است مجبور شوند به‌منظور رسیدگی آموزش ببینند (Tran, 2008: 314). در برخی موارد نیز هزینه‌های تحقیقاتی وجود دارد؛ برای مثال در

۱. مبالغ ذکرشده با توجه به هزینه‌های دادرسی در سال ۱۴۰۱ و همچنین در تحقیق میدانی از وکلا و کارشناسان متخصص مالکیت فکری جمع‌آوری شده است.

اختلافات علامت تجاری که مبتنی بر عامل «احتمال گمراه‌کنندگی» هستند، به‌منظور بررسی احتمال گمراه‌کننده بودن علامت، نظرسنجی‌هایی در خصوص تحلیل عکس‌العمل مصرف‌کنندگان انجام می‌گیرد که می‌توانند بسیار گران باشند. به‌جای اینکه هر دو طرف هزینه و زمانی را صرف انجام نظرسنجی کنند، می‌توانند با توافق بر محدود کردن تحقیقات، صرفه‌جویی کنند. در واقع خود طرفین اطلاعات دقیقی از بازارهایی دارند که در آن فعالیت می‌کنند و توافق بر حذف چنین نظرسنجی‌هایی، بار اثبات نقاط قوت و ضعف موقعیت خود را که نسبت به آن آگاهی دارند، از دوششان برمی‌دارد (Bernstein, 2005: 157).

۵. تناسب ناشی از ویژگی‌های نهاد میانجی‌گری

میانجی‌گری به‌عنوان یکی از روش‌های کمتر شناخته‌شده غیرقضایی حل اختلاف دارای مزیت‌هایی است که با دعاوی مالکیت فکری تناسب زیادی دارد. چنانکه بیان شد، استفاده از روش میانجی‌گری برای حل اختلافات دعاوی مالکیت فکری از دو منظر قابل بررسی است؛ وجه اول، اختصاصات دعاوی مالکیت فکری است که به آن پرداخته شد و وجه دوم ویژگی‌های نهاد میانجی‌گری است که آن را از سایر روش‌های حل اختلاف متمایز می‌سازد. اگرچه برخی از ویژگی‌ها در همه روش‌های حل و فصل غیرقضایی اختلافات مشترک‌اند، برخی نیز خاص روش میانجی‌گری است یا ضریب عملکرد بالاتری نسبت به سایر روش‌ها دارد که به بررسی مهم‌ترین آنها می‌پردازیم.

۵.۱. انعطاف‌پذیری فرایند و تسلط طرفین اختلاف بر روند حل اختلاف

از آنجا که روش میانجی‌گری کاملاً شخصی و خصوصی است، طرفین اختلاف بر چگونگی حل و فصل اختلافشان مدیریت زیادی دارند. به‌طور مثال، درخواست بررسی یک آزمون علمی در دادگاه به‌منظور بررسی اختراع متنازع‌فیه، مستلزم هزینه و زمان زیادی است که در میانجی‌گری به‌راحتی در آزمایشگاه مورد توافق طرفین به‌سرعت انجام می‌گیرد. این مسئله در دعاوی مربوط به نقض اختراعات فرایندی بسیار مورد توجه است. به‌نحوی که در قوانین مربوط مانند ماده ۶۱ قانون ثبت اختراعات ایران نیز در خصوص جابه‌جایی بار اثبات دعوا پیش‌شرط‌هایی مقرر شده است، مانند آنکه احتمال قوی وجود داشته باشد که فرآورده با استفاده از فرایند مزبور ساخته شده و مالک حقوق ثبت شده با وجود تلاش‌های معقول نتوانسته است فرایندی را که واقعاً استفاده شده است، تعیین کند. اثبات این پیش‌شرط در میانجی‌گری به‌مراتب آسان‌تر از اثبات آن در فرایند رسیدگی قضایی است. همچنین در میانجی‌گری طرفین علاوه بر اینکه می‌توانند مانند داوری، قانون حاکم، مکان و زبان رسیدگی را

انتخاب کنند، برخلاف رسیدگی قضایی و داوری، امکان انتخاب شخص میانجی‌گر با تخصص پتنت یا برندینگ یا در صورت لزوم آشنا به علوم روان‌شناسی و فرهنگ جوامع مختلف را بدون محدودیت‌های مطلق و نسبی در انتخاب داور دارند. همچنین طرفین آزادند شرکت‌کنندگان در جلسه را انتخاب کنند و مانند دادگاه، محدودیتی برای حضور شرکت‌کنندگان وجود ندارد. افزون‌بر این در میانجی‌گری طرفین انعطاف زیادی برای شکل دادن تعامل میانجی‌گر با خودشان دارند. چنانکه در ماده ۷ قانون نمونه آنستیرال نیز آمده، میانجی‌گر می‌تواند جداگانه یا در حضور طرفین برای پیشبرد بهتر مسئله با آنها صحبت کند. افزون‌بر این طرفین آزادند ملاحظات بازار و سایر شرایط خاص خودشان را مدنظر قرار دهند. تعداد و زمان جلسات نیز در میانجی‌گری آزاد است و این شیوه به آنها امکان می‌دهد اگر نیاز به جمع‌آوری مستندات بیشتری دارند، زمان کافی داشته باشند.

۵.۲. الزام‌آور نبودن میانجی‌گری

در میانجی‌گری طرفین اختلاف ملزم به پذیرش نتیجه نیستند، چراکه میانجی‌گری برخلاف داوری یا قاضی حکم نمی‌کند و با وجود توافق طرفین برای حل و فصل اختلاف در هر زمانی از آغاز فرایند که طرفین احساس کنند روند در جهت منافع آنان نیست، می‌توانند آن را رها کنند. اگرچه در بسیاری از مواقع طرفین به دلیل نقش فعال خود در فرایند میانجی‌گری و توافق حاصله مایل به اجرای آن هستند، با این حال الزامی برای اجرا ندارند و می‌توانند با توجه به منافعشان تصمیم‌گیری کنند.

۵.۳. تمرکز بر منافع متقابل طرفین و امکان اتخاذ راه‌حل‌های خلاقانه

حقوق مالکیت فکری شامل موضوعات مختلفی است که گاهی در اصول اولیه نیز با هم تفاوت‌هایی دارند. این تنوع مستلزم آزادی بیشتر در رسیدن به راه‌حل‌های متفاوت نیز است. توجه دادن طرفین اختلاف به منافع متقابل یکدیگر و خطرهای ناشی از مراجعه به محاکم قضایی، می‌تواند آنها را به حل و فصل دوستانه اختلاف تشویق کند. به بیان دیگر برخلاف رسیدگی قضایی که براساس قانون حاکم و امور موضوعی تعیین تکلیف می‌شود، در میانجی‌گری ممکن است حل و فصل اختلاف براساس منافع طرفین انجام گیرد (Tan, 2018: 9)، تا حدی که تغییر تمرکز از استدلال‌های قانونی به منافع متقابل تجاری کلید میانجی‌گری موفق محسوب می‌شود. از عللی که در میانجی‌گری دعاوی مالکیت فکری می‌توان از راه‌حل‌های خلاقانه استفاده کرد، ماهیت غیررقابتی این اموال است؛ چنانکه می‌دانیم حقوق مالکیت فکری،

مانند کپی‌رایت و حق ثبت اختراع، به‌طور کلی در محدوده «کالاهای عمومی»^۱ قرار می‌گیرد، بنابراین استفاده از اثر مشمول کپی‌رایت حتی اگر برخلاف قانون باشد، باز هم مانع استفاده دیگران نخواهد شد. به‌دلیل همین ماهیت غیررقابتی است که امکان اتخاذ راه‌حل‌های خلاقانه در میانجی‌گری افزایش پیدا می‌کند، یعنی توان طرفین برای مجوز دادن یا هر شکل دیگری از اشتراک بدون اینکه بر استفاده خودشان تأثیری بگذارد، ایجاد می‌شود و راه‌حل نهایی لزوماً منتج به این نمی‌شود که یکی از طرفین تمام حقوق را به‌دست آورد (Anway, 2003: 453). برای مثال در یک اختلاف علامت تجاری، طرفین این امکان را دارند که از طریق انعقاد یا اصلاح قرارداد لیسانس یا فرانچایز بدون اینکه در معرض بازنده شدن و منع کامل استفاده از علامت در دادگاه قرار گیرند با اعطای اجازه بهره‌برداری نتیجه را به برد-برد تبدیل کنند. در یکی از پرونده‌های ارجاع‌شده به مرکز داوری وایپو، یک شرکت مشاوره فناوری که دارای حق ثبت اختراع در سه قاره بود، یک اختراع ثبت‌شده را در چارچوب قرارداد مشاوره برای یک شرکت سازنده بزرگ افشا کرد. این قرارداد شامل اعطای مجوز بهره‌برداری نبود، اما سازنده شروع به فروش محصولاتی کرد که طبق ادعای شرکت مشاور، شامل اختراع ثبت‌شده آنها بود و سازنده را تهدید به طرح دعوا در تمام حوزه‌های قضایی که اختراع ثبت‌شده بود کرد. طرفین، برای اعطای حق امتیاز به شرکت سازنده مذاکره کردند، اما نتوانستند به توافق برسند، زیرا خسارت چند میلیون دلاری درخواست‌شده توسط شرکت مشاور به‌طور چشمگیری از مبلغی که سازنده مایل به پرداخت آن بود، بیشتر بود. طرفین اختلاف خود را طبق مقررات وایپو به میانجی‌گری ارجاع کردند و طی دو روز به توافقی دست یافتند که نه تنها موضوع حق امتیاز را پوشش می‌داد، بلکه شامل توافقی در مورد قراردادهای آینده نیز می‌شد. در نهایت میانجی‌گری با انعطاف‌پذیری بالا، وضعیت خصمانه را به وضعیتی که با منافع تجاری هر دو طرف مطابقت دارد، تبدیل کرد. بنابراین یکی از بزرگ‌ترین مزایای استفاده از میانجی‌گری امکان توافق بر راه‌حل‌های مشابه دادگاه و راه‌حل‌های غیر از آن مانند انعقاد قرارداد لیسانس، ادغام، واگذاری فناوری، همکاری در تحقیقات و توسعه و توافق بر تقسیم حق در محدوده سرزمینی مشخص است (Bernstein, 2005: 157).

1. Public good

در اقتصاد کالاها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ کالاهای خصوصی که مالک آن می‌تواند مانع مصرف دیگران شود (استثناپذیری) و همچنین مصرف کالا الزاماً مانع مصرف دیگران می‌شود (رقابتی بودن) و کالای عمومی که کاملاً استثناپذیر و غیررقابتی هستند و دارنده نمی‌تواند مانع دیگران از مصرف شود. همچنین مصرف کالا مانع استفاده آن توسط دیگری نمی‌شود.

۵.۴. پیشگیری از تفسیر مجدد ادعاها و ابطال پتنت

میانجی‌گری در دعاوی پتنت بیش از سایر دعاوی موفق بوده و توافقات بیشتری از طریق این روش حاصل شده است (Quinn, 1999: 78). بسیاری از سازمان‌ها، از جمله مؤسسه بین‌المللی میانجی‌گری در پیشگیری و حل اختلافات پتنت و کنفرانس غیرانتفاعی سدونا^۱ که پیوسته بهترین روش حل اختلافات پتنت را مطالعه می‌کند، میانجی‌گری برای انواع متخلف دعاوی پتنت را توصیه می‌کند (Vidal et al., 2019: 3). یکی از علل محبوبیت، ناشی از میزان کنترلی است که برای پیشبرد فرایند به طرفین می‌دهد و در عین انعطاف‌پذیری، ساختاری را برای حل و فصل اختلاف فراهم می‌کند. دعاوی ثبت اختراع چه از بعد فنی و چه از بعد حقوقی چالش‌های زیادی دارد که از شرایط سه‌گانه ثبت (جدید بودن، بدیهی نبودن، قابلیت کاربرد صنعتی) گرفته تا تفسیر ادعاها، نقض، دکترین معادل‌ها و... را شامل می‌شود. از مزیت‌های حل اختلافات پتنت از طریق میانجی‌گری می‌توان به اجتناب از تفسیر مجدد ادعا در دادگاه و خطر مضیق شدن ادعاها یا ابطال پتنت اشاره کرد. به‌طور مثال در پرونده‌ای که در شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی تهران به خواسته ابطال گواهی ثبت مطرح شده بود، خواهان اعلام کرد در سال ۱۳۹۶ دستگاهی برای آب‌بندی سوپاپ طراحی و درخواست ثبت آن را به اداره ثبت اختراعات ارائه می‌کند که به دلیل افشای قبلی رد می‌شود، درحالی‌که افشا در مهلت قانونی شش‌ماهه ارفاقی رخ داده بود. سپس در سال ۱۳۹۷ همان دستگاه توسط خواننده که با خواهان رابطه کاری داشت و از اطلاعات طرح مطلع بود، از اداره ثبت موفق به اخذ گواهی ثبت می‌شود. پس از اخذ نظریه هیأت کارشناسی مشخص می‌شود که خواهان از مهلت اعتراض یک‌ماهه خود استفاده نکرده و در نتیجه محق نیست. شواهد نیز نشان می‌دهد خواننده مخترع اصلی اختراع است، اما به‌علت عدم ثبت در مهلت قانونی ویژگی جدید بودن از بین رفته و او نیز محق در دریافت گواهی ثبت نیست، در نهایت خواننده و خواهان با ادامه دعوا و درخواست ابطال گواهی ثبت هر دو متضرر می‌شوند، ازاین‌رو بهترین راه برای حل و فصل دعوا استفاده از میانجی‌گری و تقسیم منافع اختراع بین طرفین دعواست.^۲ همچنین طرفین می‌توانند به‌صورت قراردادی بر تفسیر خاصی از ادعاها توافق کنند. هرگاه اعتبار پتنت در میانجی‌گری مورد مناقشه قرار گیرد، طرفین می‌توانند خطر ابطال پتنت در صورت مراجعه به دادگاه را به‌عنوان انگیزه‌ای برای ترغیب طرف مقابل به‌کار برند. بنابراین طرفین می‌توانند با توافق بر اتخاذ راه‌حل‌های خلاقانه متفاوت از آرای متداول در دادگاه از روش‌هایی مانند انعقاد قراردادهای

1. The Sedona Conference (TSC)

۲. با توجه به عدم صدور رأی امکان ارجاع به پرونده وجود ندارد.

بهره‌برداری کلی یا جزئی اختراع، توافقنامه‌های تقسیم حقوق اختراع در حوزه‌های قضایی مختلف، قراردادهای به اشتراک‌گذاری فناوری‌های جدید و... استفاده کنند.

۶. نتیجه

میانجی‌گری در حل اختلافات مالکیت فکری به دلیل ویژگی‌های این دعاوی، کاربردی دوچندان دارد، چراکه با رویکردی کلی‌نگر تمام جنبه‌های تعارض شامل عناصر قضایی و غیرقضایی مانند منافع تجاری، احساسات و سایر شرایط اصحاب دعوا را در نظر می‌گیرد و با توانمندسازی طرفین به آنها اجازه می‌دهد تا راه‌حل مناسب را براساس منافع و نیازهای خاص خود بیابند. عمر کوتاه دارایی‌های فکری موجب می‌شود معیار سرعت در ثبت، بهره‌برداری، تجاری‌سازی و حل اختلافات در این حوزه معیار بسیار مهمی تلقی شود. از طرفی نیز ویژگی محرمانگی در تمامی مراحل اهمیت زیادی دارد، ماهیت سرزمینی و وقوع نقض حق در حوزه‌های قضایی متعدد و تخصصی بودن این دعاوی نیز بر دشواری‌های حل اختلافات می‌افزاید. از این رو روش‌های حل اختلاف این دعاوی باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر سرعت، انعطاف‌پذیری و حذف هزینه‌های هنگفت، به روابط تجاری لطمه‌ای نزنند و منافع متقابل طرفین مورد توجه قرار گیرد. ضمن آنکه میانجی‌گری صرفاً محدود به راه‌حل‌های محدود حقوقی نیست و طرفین می‌توانند با ارائه راه‌حل‌های منعطف و نوآورانه ضمن حل اختلاف در مواردی نیز مانع از بین رفتن حق یا ابطال گواهینامه‌های ثبتی خود شوند، بنابراین می‌توان گفت اگرچه حل اختلاف از طریق میانجی‌گری به‌عنوان تنها روش مناسب در دعاوی مالکیت فکری محسوب نمی‌شود، اما این مقاله نشان داد ویژگی‌های نهاد میانجی‌گری تناسب زیادی با اختصاصات دعاوی مالکیت فکری دارد و در میان روش‌های قضایی و غیرقضایی حل اختلاف، برای میانجی‌گری کارکردهای مطلوب و کارآمدی زیادی دارد.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع

الف) فارسی

۱. بنت، آنابل؛ سام، گرانتا (۱۳۹۹). *تعارض قوانین و حقوق مالکیت فکری، راهنمای سازمان جهانی مالکیت فکری و کنوانسیون حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه برای قضاات و حقوقدانان*، ترجمه مریم داراب‌پور، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۲. بهادری جهرمی، زهرا؛ زهرا شاکری؛ محسن صادقی (۱۴۰۰). *حل و فصل غیرقضایی اختلافات حقوق مالکیت فکری*، پژوهش عدالت.
۳. داراب‌پور، محمد (۱۳۹۹). *مقررات جدید آنستیتال در مورد میانجی‌گری و توافقنامه سازش*، ج اول، تهران: گنج دانش.
۴. درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۰). «مطالعه‌ای بر میانجی‌گری به‌عنوان روش دوسستانه حل و فصل اختلافات»، *فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۱، ش ۴، ص ۱۳۷-۱۲۱.
۵. شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۵). «بررسی قانون نمونه آنستیتال در خصوص سازش بین‌المللی»، *اندیشه‌های حقوقی*، سال چهارم، ش ۱۰، ص ۷۶-۴۵. در: <http://ensani.ir/fa/article/15066/Available>
۶. ملک‌نیا، پریا؛ مرتضی شهبازی‌نیا (۱۳۹۵). «محرمانگی در میانجی‌گری و تضمینات قانونی آن با بعد بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، سال پنجم، ش شانزدهم، ص ۱۴۸-۱۳۳. در: Available at: <http://ensani.ir/fa/article/361889/> (۶ آبان ۱۴۰۰).
۷. نیکبخت، حمیدرضا؛ علی‌اکبر ادیب (۱۳۹۶). «میانجی‌گری و اصلاح‌گری به‌عنوان جایگزین روش‌های سنتی حل اختلافات مدنی-تجاری، امکان به‌کارگیری آنها در صنعت نفت»، *نشریه تحقیقات حقوقی*، ش ۷۸، ص ۵۷-۸۱. در: https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56353.html (۱۷ آذر ۱۴۰۰).
۸. بهادری جهرمی، زهرا (۱۳۹۰). *ثبت اختراعات نانوفناوری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، راهنما: سعید حبیبی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

ب) خارجی

9. Hopt, Klaus J & Felix Steffek (2013). *Mediation: Principles and regulation in comparative perspective*, Oxford University Press.
10. Anway, Stephen P. (2003). "Mediation in Copyright Disputes: From Compromise Created Incentives to Incentive Created Compromises", *Ohio State Journal on Dispute Resolution*, pp. 439-469, Available at: <https://heinonline.org/HOL/Landing Page?handle=hein.journals/ohjdp18&div=4&id=&page=> Accessed 12 November 2021
11. Agris, Cheryl H.; Stephen P. Gilbert; Charles, E. Miller & Sherman, Kahn (2011). "The Benefits of Mediation and Arbitration for Dispute Resolution in Intellectual Property Law", *NYSBA New York Dispute Resolution Lawyer*, Vol. 4, No.2. pp.61-65, available at: <https://nysba.org/NYSBA/Sections/Dispute%20Resolution/Dispute%20Resolution%20pdfs/Benefits%20of%20adr%20for%20ip.pdf>. Accessed 5 June 2021
12. Bernstein, David Allen (2005). "A Case for Mediating Trademark Disputes in the Age of Expanding Brands" 7 *Cardozo J. Conflict Resol.* Vol. 6, Issue 2, available at: <http://cardozo.jcr.com/vol7no1/CAC102.pdf>, Accessed 25 September 2018
13. Chi, Stephanie (2005). "The role of mediation in trademark disputes", *University of Houston Law Center*. Available at: <http://www.americanjournalofmediation.com>, Accessed 12 February 2021
14. Corbett, Susan Felicity (2011). "Mediation of Intellectual Property Disputes: A Critical Analysis", *New Zealand Business Law Quarterly*, Vol. 17. pp. 51-67, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1802207>, Accessed 18 March 2021
15. Kathi Vidal, leeron g; kalay, peter s.; Menzel, Matthew powers & Sarita, Venkat (2019). "Patent Mediation Guide", *UC Berkeley Public Law Research Paper*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3320111> Accessed 14 May 2021

16. Lemley, Kevin M. (2004). "I'll Make Him an Offer He Can't Refuse: A Proposed Model for Alternative Dispute Resolution in Intellectual Property Disputes", *Akron Law Review*: Vol. 37. pp. 285-327, available at: <https://ideaexchange.uakron.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1339&context=akronlawreview> Accessed 16May2021
17. Martin, Julia A (1997). "Arbitrating in the Alps Rather Than Litigating in Los Angeles: The Advantages of International Intellectual property-specific Alternative Dispute Resolution", *Stanford Law Review*, Vol.49, No.4, pp. 917-970, DOI:10.2307/1229340.
18. Quinn, Eugene R (1999). "Using Alternative Dispute Resolution to Resolve Patent Litigation: A Survey of Patent Litigators", *Marquette Intellectual Property Law Review*, Vol 3. pp77-116. Available at: <https://scholarship.law.marquette.edu/iplr/Vol.3/iss1/3>, Accessed 2 June2021
19. Tan, Joyce A (2018). "WIPO, Guide on Alternative Dispute Resolution (ADR) Options for Intellectual Property Offices and Courts", available at: <https://www.wipo.int/publications/en/details.jsp?id=4342>, Accessed 11 May 2021
20. Tran, Sarah(2008). "Experienced Intellectual Property Mediators; Increasingly Attractive in Times of "Patent" Unpredictability", *Harvard Negotiation Law Review*, Vol.13. pp.813-825, available at:<https://www.hnlr.org/articles/archive/>, Accessed 18 June2021
21. Veronique Bardach (1993). "A Proposal for the Entertainment Industry: The Use of Mediation as an Alternative to More Common Forms of Dispute Resolution", *Loyola of Los Angeles Entertainment Law Review*, Vol. 13, No. 3, pp.497-477, availableat: <https://digitalcommons.lmu.edu/cgi/viewcontent.cgi?referer=&httpsredir=1&article=1264&context=elr>, Accessed 18 June2021
22. Advisory Committee on Enforcement, Ninth Session, Geneva, (2014). activities of the world intellectual property organization arbitration and mediation center.
23. American Intellectual Property Law Association (AIPLA), (2015). Report of the Economic Survey Available at: <http://ideaexchange.uakron.edu/akronlawreview/vol37/iss2/7>
24. EU Directive 2008/52/EC of the European Parliament and the Council on Certain Aspects of Mediation in Civil and Commercial Matters (Mediation Directive)
25. <https://www.wipo.int/amc/en/center/specific-sectors/ipos/mediation>
26. ICC Mediation Rules (2014)
27. International Institute for Conflict Prevention and Resolution, Attitudes Toward ADR in the Asia-Pacific Region: A CPR Survey (2011).
28. Mediation Development Toolkit, Ensuring implementation of the European Commission for the efficiency of justice Guidelines on mediation, (CEPEJ), 2018
29. UNCITRAL Model Law on International Commercial Conciliation.
30. WIPO Mediation Rules, (2021)



Research Paper

Mediation Functions in Resolving Intellectual Property Disputes

Mahdi Zahedi*

Associate Professor, Department of International Law, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran

Hakimeh Mohamadi

PhD Candidate, in Private Law, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran

Abstract

The development of international transactions and the commercial exploitation of intellectual property has increased the necessity of creating dispute resolution methods in the field of intellectual property in accordance with international requirements. The parties to the dispute are looking for efficient, flexible, and low-cost dispute resolution mechanisms that will not disrupt their business relations. This is despite the fact that intellectual property disputes often lead to long and expensive lawsuits due to the territorial nature, diversity of rights, and technical complexities that result from the integration of different fields such as artificial intelligence with other fields, which is not favorable for the courts and litigants. Therefore, intellectual property rights holders have turned to methods that are more under the control and management of the disputing parties to resolve disputes. The special features of intellectual property rights and its lawsuits, such as territoriality, the specialization of intellectual property issues, conflicts in the jurisdiction of courts, widespread violations in different jurisdictions, the importance of confidentiality, the length of the process, and

* Corresponding Author
Received: 17 April 2022 , Accepted: 11 September 2022

Email: m_zahedi@atu.ac.ir
© University of Tehran

the huge costs of international proceedings. The lack of an international convention on the enforcement of intellectual property judgments is one of the most important reasons that has affected the efficiency of judicial proceedings in these cases. Non-judicial dispute resolution methods, which mainly have fewer formalities and costs and are faster, reduce many of these problems.

Among the non-judicial methods, mediation has the advantage of considering the characteristics of intellectual property, and compared to other methods, it is more successful in resolving these disputes. The interdisciplinary nature of most intellectual property claims and the need for various expertise to resolve disputes and the possibility of examining complex intellectual property cases, especially patent claims, by technical experts in the shortest time compared to other methods and often at a much lower cost, territorial nature of intellectual property rights and solving the problem of conflict in the jurisdiction of national and international courts and reducing the risk of issuing conflicting opinions, reducing the damage of the owner of the intellectual work due to the urgency and speed of mediation in resolving the dispute, focusing on the mutual interests of the parties and resolving the dispute amicably and, as a result, maintaining the commercial relations of the parties in long-term contracts that sometimes cover the entire period of protection of intellectual property, the suitability of the rapid development of technology, and the rapid diffusion of intellectual properties due to their intangible nature with the speed of dispute resolution in mediation compared to the slowness of judicial proceedings, extraordinary flexibility in the dispute resolution process and the possibility of adopting creative solutions such as concluding a license agreement, technology transfer, integration, cooperation in research and development, and agreement on the division of patent within a specific territorial area instead of being limited to the specific Judicial decisions such as revocation, financial damage, and etc. are the advantages of this method in solving intellectual property disputes compared to other alternative methods.

Also, privacy and confidentiality and maintaining the technical and commercial secrets of the parties, avoiding the reinterpretation of the claim in court and the risk of narrowing the claims, reducing the risk of patent invalidation, avoiding the research process, and obtaining the opinions of multiple experts due to the complexities of intellectual property claims, especially patent lawsuits and its costs, complete control of the parties on the determination of proceedings and the absence of legal dates and deadlines, being held in a single stage and with quick results, lack of legal obligation of the parties to accept the mediator's recommendations and suggestions, and the optionality of the procedure that leads to the parties not resorting to useless tricks or objections to slow down or create obstacles in the mediation process. Another reason is the effectiveness of mediation in resolving

intellectual property disputes. A field research has been prepared to answer the question of what functions the mediation institution has to resolve intellectual property disputes and it comes to the conclusion that mediation is effective in all aspects of the conflict, including judicial and non-judicial elements such as commercial interests, feelings, and other conditions of companions. Considering the dispute and empowering the parties, it allows them to find the right solution based on their special interests and needs. Therefore, it can be said that although dispute resolution through mediation is not considered the only appropriate method for resolving intellectual property disputes, it has desirable functions and is efficient in most of these disputes.

Keywords: Alternative Dispute Resolution, Conciliation, Intellectual Property Rights, Mediation, Non-Judicial Dispute Resolution Methods.

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0003-2180-940x>



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.